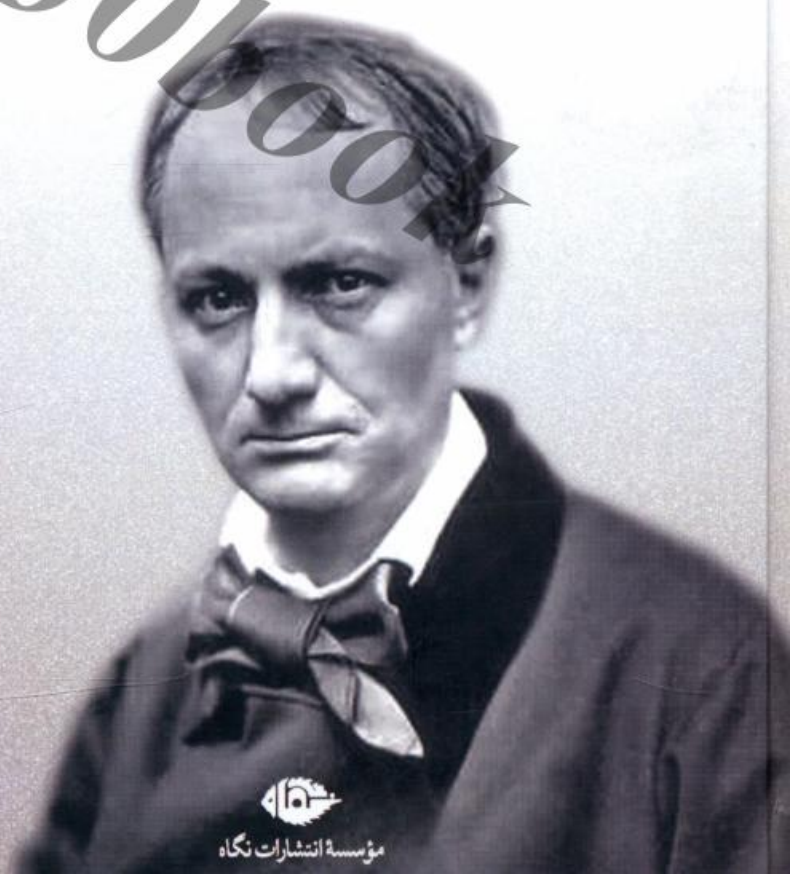


شارل بودلر

مجموعه اشعار

گل های دوزخی
ترجمه نیما زاغیان

301004



مؤسسه انتشارات نگاه

بودلر، شارل پیر، ۱۸۲۱-۱۸۶۷ م.

Baudelaire, Charles Pierre

مجموعه اشعار (گل‌های دوزخی) / شارل بودلر؛ ترجمه نیما زاغیان.

تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۳، ۴۶۴ ص.

ISBN: 978-600-376-033-2

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: Les fleurs de mal

عنوان دیگر: گل‌های رنج.

۱. شعر فرانسه - قرن ۱۹ م. - ترجمه شده به فارسی.

۲. شعر فارسی - قرن ۱۴ - ترجمه شده از فرانسه.

الف. زاغیان، نیما، ۱۳۵۵ - ، مترجم.

۱۳۸۴ ۱۱۶/۱۶ PQ۲۲۲۳/۸ ۴۱/۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۴۲۹۲۹

شارل بودلر

مجموعه اشعار

(گل‌های دوزخی)

ترجمه نیما زاغیان

چاپ اول: ۱۳۹۴؛ لیتوگرافی: اطلس چاپ

چاپ: تاجیک، شمارگان: ۷۰۰ نسخه

شابک: ۲-۳۳-۰۳۷۶-۰۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ محفوظ است.

* * *

مؤسسه انتشارات نگاه

«تاسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خ انقلاب، خ شهدای زاندارمری، بین خ. فخر رازی و خ. دانشگاه، پلاک ۶۳ طبقه ۵

تلفن: ۱۲-۰۶۶۹۷۵۷۱۱-۸ ۰۳۷۷-۸ ۰۶۴۸۰۳۷۷-۸ ۰۶۴۶۶۹۴۰ تلفکس: ۰۷-۰۶۶۹۷۵۷۰۷

www.negahpub.com info@negahpub.com

Email: negahpublisher@yahoo.com

فهرست

۶۶	دیو بانو	۹	یادداشت ضروری مترجم
۶۸	نقاب		
۷۲	در ستایش زیبایی		
۷۶	عطرِ هوش‌رُبا		
۷۸	از گیسوان‌اش	۱۹	مقدمه نویسنده
۸۲	تو را می‌ستایم...	۲۲	دعای خیر
۸۳	پستی	۲۷	مرغِ توفان
۸۵	سیراب‌ناشدنی	۲۹	پَر کشیدن
۸۷	پوشیده در تنِ پوشِ قوسِ قُرح	۳۱	پژواک‌ها
۸۹	اغی بافنده	۳۳	در حسرتِ آن روزگار برهنه‌را...
۹۱	نعش	۳۶	مشعل‌ها
۹۵	فریادی ز زُرْفا	۴۰	بری بیمار
۹۷	خون‌آشام	۴۲	پری دریوزه‌گر
۹۹	حسرت	۴۴	زاهدِ ریا
۱۰۱	حسرتِ مردگان	۴۶	دشمن
۱۰۳	گریه	۴۸	سرنوشت شوم
۱۰۵	دوئل	۵۰	زندگی پیشین من
۱۰۷	ایوان	۵۲	کولی‌ها بر جاده
۱۱۰	مُسَخَّرِ شیطان	۵۴	مرد و دریا
۱۱۲	شیخ	۵۶	دُن ژوان در دوزخ
۱۱۷	نام من این آیات	۵۸	برای تئودور دُ بانویل
۱۱۹	هماره، همچنان	۶۰	مجازاتِ غرور
۱۲۱	او به تمامی	۶۲	زیبایی
۱۲۳	چه خواهی گفت؟	۶۴	آرمان

دفتر اول

ملال و آرمان

۲۰۰	چلیکِ نفرت	۱۲۵	فانوسکان زنده
۲۰۲	ناقوس تَرک خورده	۱۲۷	بازگشت پذیری
۲۰۴	ملال	۱۳۰	اعتراف
۲۰۶	ملال	۱۳۳	پگاه مینوی
۲۰۸	ملال	۱۳۵	سرود شامگاهان
۲۱۰	ملال	۱۳۷	شیشه عطر
۲۱۲	وسواس	۱۳۹	زهر
۲۱۴	اشتیاق فنا	۱۴۱	آسمان ابری
۲۱۶	کیمیای درد	۱۴۳	گریه
۲۱۸	انعکاس هراس	۱۴۶	زورق زیبا
۲۲۰	نیایش بت پرست	۱۵۰	دعوت به سفر
۲۲۲	سرپوش	۱۵۳	جبران ناپذیر
۲۲۴	غیرمنتظره	۱۵۷	گفتگو
۲۲۸	ندای وجدان در نیمه شب	۱۵۹	سرود خزان
۲۳۰	عاشقانه‌ای غمین	۱۶۲	برای یک عذرا
۲۳۳	نیش هشدار	۱۶۶	سرود عصرگاهان
۲۳۵	برای بانویی از مالابار	۱۶۹	سیسینا
۲۳۸	آوا	۱۷۱	ابیاتی برای شمایل آقای اُتر دومیه
۲۴۰	سرود ستایش	۱۷۳	سرود ستایشی برای فرانسه‌ی من
۲۴۲	یاغی	۱۷۶	برای بانویی ناتراده
۲۴۴	چشمان پرتا	۱۷۸	سرگشته و پریشان
۲۴۶	چشمه	۱۸۱	شیخ
۲۴۹	سرتها	۱۸۲	غزل خزان
۲۵۱	بس دور از او	۱۸۴	اندوه ماه
۲۵۳	غروب رماتئیسیم	۱۸۶	گره‌ها
۲۵۵	ابیاتی برای «تاسو در زندان»	۱۸۸	بوف‌ها
۲۵۷	پایان روز	۱۹۰	چیق
۲۵۹	دوزخ	۱۹۲	موسیقی
۲۶۱	شکوه‌های یک ایکاروس	۱۹۴	گور
۲۶۳	مراقبه	۱۹۶	نگاره‌ای شگرف
۲۶۵	مردی که دژخیم خود بود	۱۹۸	نعش شادمان

۳۶۰ شرابِ مرد تنها	۲۶۸ ناگزیر
۳۶۲ شرابِ عشاق	۲۷۲ ساعت

دفتر چهارم

گل‌های دوزخی

۳۶۷ دیباچه‌ی کتابی مغضوب
۳۶۹ ویرانی
۳۷۱ زنانِ نفرین شده
۳۷۵ دو خواهر خوب
۳۷۷ فواره‌ی خون
۳۷۹ تمثیل
۳۸۲ پنا تریس
۳۸۶ مسخ خون‌آشام
۳۹۰ لته
۳۹۳ سفر به سسترا
۳۹۹ کوبیدون و جمجمه

دفتر پنجم

طغیان

۴۰۳ انکارِ پطرس
۴۰۷ هابیل و قابیل
۴۱۱ نیایش نامه‌ی شیطان

دفتر ششم

مرگ

۴۱۹ مرگ عشاق
۴۲۱ مرگ مرد مسکین
۴۲۳ مرگ مرد هنرمند
۴۲۵ رویای مرد مشتاق
۴۲۷ سفر
۴۴۵ یادداشت‌ها

دفتر دوم

صحنه‌های پارسی

۲۷۹ چشم‌انداز
۲۸۲ خورشید
۲۸۵ «لولا»ی «والنسیا»
۲۸۶ ماه رنجور
۲۸۸ کلفتِ سرخ موی در یوزه‌گر
۲۹۲ غمِ غربتِ قو
۲۹۹ کور
۳۰۱ برای یک رهگذر
۳۰۳ اسکلت‌های کشتکار
۳۰۶ وعده‌های یک چهره
۳۰۸ برای امینا بوسجنتی
۳۱۰ گوهرها
۳۱۳ در گرگ و میشِ غروب
۳۱۷ قمار
۳۲۰ «رقص مرگ»
۳۲۷ دل‌باخته‌ی دروغ‌ها
۳۳۱ از یاد نبرده‌ام
۳۳۳ خدمتکار خوش‌قلب
۳۳۶ مه و باران
۳۳۸ رویای پارسی
۳۴۳ سپیده‌دم

دفتر سوم

آب آتش‌فام

۳۴۹ روح شراب
۳۵۲ شرابِ گز مه‌ها
۳۵۶ شرابِ مرد قاتل

یادداشت ضروری مترجم

«بودلر شهریار شاعران است.»

آرتور رمبو

یک

شارل بودلر در هزار و هشتصد و بیست و یک در پاریس به دنیا آمد و در همان پاریس، به سال هزار و هشتصد و شصت و هفت مرد، و هر آنچه که بین این دو تاریخ بود و انجام داد، او را به یکی از چهره‌های جاودان، درخشان، متناقض‌نما و مرموز تاریخ ادبیات بدل کرد.

بیش از این گفتش درباره‌ی بودلر را در این یادداشت ضروری نمی‌بینم، چرا که بودلر برای خاندانگان فارسی‌زبان شخصیت ناآشنایی نیست. آثار بسیاری درباره‌ی بودلر و آثارش چه به صورت کتاب و چه یادداشت و مقاله منتشر شده است؛ تنها معمای بی‌پاسخ برای من این است که چرا تا به امروز، حاصل عمر شاعرانه‌ی او، همین «گل‌های دوزخی»، به فارسی ترجمه نشده بود.

دو

از گل‌های دوزخی گزیده‌های پراکنده‌ای به فارسی منتشر شده است؛ این میل به «دستچین» کردن بی‌شک ریشه‌ای فرهنگی نزد ما ایرانی‌ها دارد که نه می‌دانم از کجا می‌آید و نه می‌خواهم که بدانم. به هر حال گل‌های دوزخی «یک

اثر واحد است»، و با دستچین کردن برخی از شعرهای آن و انتشار سلیقه‌ای‌اش، هرگز به درک اثر بودلر راه نخواهیم برد. به گمان من گل‌های دوزخی نه مجموعه‌ای گرد آمده از چند شعر، بلکه کلیتی یکپارچه است؛ اینکه در این کتاب هیچ شعری با نام گل‌های دوزخی موجود نیست، خود گواهی‌ست بر اینکه با یک مجموعه‌ی نامنسجم روبه‌رو نیستیم. همان‌گونه که نمی‌توان مثلاً با خاندن بخش‌هایی از «اولیس» به درک اثر جویس راه یافت، با خاندن چند شعر پراکنده از اثر سترگ بودلر هم نمی‌توان ادعا کرد بودلر را دریافته‌ایم. حتی جابه‌جا کردن ترتیب شعرها به اثر آسیب می‌زند. این میل غریب و توجیه‌ناپذیر به گزیده‌گرایی، جدا از تنبلی مترجم و خاندنده، همان‌قدر درباره‌ی اثر ادبی بی‌معنا و بی‌فایده است که درباره‌ی دیگر هنرها؛ آیا در مواجهه با بریده‌هایی از نقاشی‌های فرانسویس بیکن، یا گزیده‌ای از سکانس‌های نوستالگی‌ای تارکوفسکی، می‌توانیم بگوییم این آثار را دیده و درک کرده‌ایم؟ یکی از دلایل‌هایی که ترجمه‌ی پیش رو چند سال پس از اتمام به دست خاندنده می‌رسد، پافشاری من بر همین نکته‌ی مهم بوده است و مقاومت در برابر میل وافر ناشران و خاندنده‌ها به تکه‌پاره کردن اثر (بخانید انتشار گزیده).

سه

تا جایی که من اطلاع دارم چند ترجمه به‌صورت گزیده از گل‌های دوزخی تاکنون منتشر شده است که مترجمان از عنوان‌هایی همچون: گل‌های بدی، گل‌های شر، گل‌های رنج و... استفاده کرده‌اند. عنوان اصلی اثر «da Fleur Du Mal» است که تقریباً همه‌ی مترجم‌های انگلیسی آن را به «Flowers of Evil» برگردانده‌اند. معنای Mal در فرانسه و Evil در انگلیسی گسترده است و به فراخور موارد استفاده، دلالت‌های مختلفی دارد؛ بدی، پستی، پلیدی، پلشتی، شر، شیطانی و... از معادل‌هایی است که می‌توان برای این واژه برشمرد. من اما

واژه‌ی «دوزخی» را مناسب‌ترین معادل یافتیم؛ چرا که دست‌کم در زبان و فرهنگ فارسی، واژه‌ی دوزخی به‌تنهایی بار تمام مفاهیم مذکور را می‌کشد؛ هنگامی که از چیزی با صفت دوزخی یا جهنمی یاد می‌کنیم به‌سادگی یعنی هم پلشت و پلید است و هم شر و شیطانی. دلیل مهم‌تر برای این معادل‌گذاری، دلالت‌ها و اشارات و گوهر این اثر است که البته نگرگاه اصلی پدیدآورنده‌ی بدخلق و سخت‌گیر آن نیز هست؛ بودلر در یک کلام، راوی تلخ خوی دوزخ است؛ او جهان و زندگی‌ای را در اثرش بازنمایانده است که به‌راستی دوزخی زنده و بیدار می‌نماید در پیش چشم ما. از همین روی، به نگر من معادل‌هایی چون شر و بدی، نه‌تنها نابسند بلکه حتی تقلیل‌گرایانه می‌آیند. شاید اگر مترجم‌های دیگر نیز به‌جای «دستچین» کردن با کلیت اثر روبه‌رو می‌شدند، با من هم‌نگر بودند.

چهار

برای ترجمه‌ی این اثر، جدا از سبب‌ها و دل‌بستگی‌های شخصی، دو دلیل اصلی داشتیم: نخست اینکه هرگز این اثر به‌صورت کامل و یکپارچه ترجمه نشده بود و بالاتر به آن اشاره کردم؛ و دومین انگیزه عدم وجود هرگونه ترجمه‌ای (حتی گزیده و تک‌شعرهای منتشر شده در کتاب‌ها و مجلات) بود که بتوان بر آن نام شعر گذاشت. به گمان من، آسیب‌شناسی ترجمه‌ی شعر در زبان فارسی اساساً ریشه در همین عدم اعتنا به ماهیت شعرگون دارد. معمولاً در بهترین موارد هم با چیزی مواجه هستیم که در واقع نه ترجمه‌ی شعر، بلکه ترجمه‌ی ایده‌ی شعر است. چنین شیوه‌ای به‌سادگی یعنی نادیده‌انگاشتن تمامی ظرافت‌ها، بداعت‌ها و زیبایی‌زبانی اثر؛ به‌راستی هم اغلب آنچه شاعران می‌گویند کم‌اهمیت‌تر است تا آن‌گونه که می‌گویند!

در مواجهه با پیشینه‌ی ترجمه‌های شعر (و البته ترجمه‌های بودلر) بی‌اختیار به یاد دوران مدرسه می‌افتم و شیوه‌ای که معلم‌های ادبیات برای فهماندن

شعرهای کلاسیک فارسی به کار می‌بستند؛ ایشان شعرهای حافظ و سعدی و فردوسی را برای ما «معنی» می‌کردند. در کتاب نوشته شده بود: گفتم که بر خیالات راه نظر ببندم گفتا که شب‌رو است او، از راه دیگر آید و معلم ما را او می‌داشت در حاشیه‌ی کتاب با مداد بنویسیم: به او گفتم که فکر و خیال تو را از ذهن خود پاک می‌کنم، و او گفت این خیال مانند دزدی است که اگر راه را به روی او ببندی هم، از راه دیگری وارد می‌شود (!)

فکر می‌کنم وضعیت ترجمه‌ی شعر نیز در بیشتر موارد چنین است و از شیوه‌ی معلم‌های ادبیات مدرسه سود می‌برد؛ بیش از اینکه ترجمه باشد معنی کردن است. اما به‌راستی چه سودی دارد که صرفاً چپستی منظور شاعر را منتقل کنیم و چگونگی گفتن این منظور را نادیده بگیریم؟ چگونگی‌ای که در واقع تمامی ارزش‌های هنری اثر در همان مستور است. نمی‌دانم؛ شاید هم سودی دارد اما نه در نگر من. از همین روی شیوه‌ای که برای ترجمه‌ی گل‌های دوزخی پیش گرفته‌ام، برگردان شعر به شعر است، نه شعر به منظور شاعر.

پنج

برای توصیف شیوه‌ی که در ترجمه‌ی شعرهای بودلر به کار بسته‌ام، یک نقل قول کوتاه را بسنده می‌بینم. این نقل از سرلوحه‌ی کتاب «همچون کوچه‌ئی بی‌انتها» است که در بردارنده‌ی ترجمه‌های احمد شاملو از آثار شاعران جهان است: «تذکار این نکته را لازم می‌دانم که چون ترجمه‌ی بسیاری از این اشعار از متنی جز زبان اصلی به فارسی درآمده و حدود اصالت‌شان مشخص نبوده ناگزیر به بازسازی آن‌ها شده‌ام. اصولاً مقایسه‌ی برگردان اشعار با متن اصلی کاری بی‌مورد است. غالباً ترجمه‌ی شعر جز از طریق بازسازی شدن در زبان میزبان امر بی‌حاصلی است و همان بهتر که خواننده گمان کند آن چه می‌خواند شعری است که شاعر به فارسی سروده است.»

شارل بودلر

مجموعه اشعار

مؤسسه انتشارات نگاه منتشر کرد

از مجموعه اشعار

۱. مجموعه آثار احمد شاملو. دفتر اول
۲. مجموعه آثار احمد شاملو. دفتر دوم
۳. مجموعه اشعار نیما یوشیج
۴. مجموعه اشعار سیمین بهبهانی
۵. مجموعه اشعار نادر نادرپور
۶. مجموعه اشعار منوچهر انوشی
۷. مجموعه اشعار حمید مصدق
۸. مجموعه اشعار شهریار
۹. مجموعه اشعار عماد خراسانی
۱۰. مجموعه اشعار سیدعلی صالحی. دفتر اول
۱۱. مجموعه اشعار سیدعلی صالحی. دفتر دوم
۱۲. مجموعه اشعار نصیرت رحمانی
۱۳. مجموعه اشعار اورکا
۱۴. مجموعه اشعار زاله اسفهانلی
۱۵. مجموعه اشعار جواد مجابی
۱۶. مجموعه اشعار شمس لنگرودی
۱۷. مجموعه اشعار یزدانه رویایی
۱۸. مجموعه اشعار حسین منزوی
۱۹. مجموعه اشعار محمدعلی بهمنی
۲۰. مجموعه اشعار م. آزاد
۲۱. مجموعه اشعار اسماعیل شاهرویی
۲۲. مجموعه اشعار خسرو گلسترخی
۲۳. مجموعه‌ای از اشعار ناظم حکمت
۲۴. مجموعه اشعار علی بابا جاهی
۲۵. مجموعه اشعار محمد علی سبانیلو
۲۶. مجموعه اشعار یابلو نیرودا
۲۷. مجموعه اشعار منوچهر نیستانی
۲۸. مجموعه اشعار پل الوار



مؤسسه انتشارات نگاه

ISBN 978-600-376-033-2



۲۹۰۰۰ تومان